

نقد و معرفی کتاب



میراث حکمت

دکتر محمود یوسف ثانی

نیز قدرت و شاخصیتی به هم رسانده، با کمال آزادی و بزرگ منشی به تدریس و تحقیق این علوم بپردازد. دو دیگر اینکه - چنانکه گذشت - شاید بتوان میرداماد را پس از خواجه نصیر و قبل از صدر المتألهین از بزرگترین حکمای این دوره تاریخی به شمار آورد که در مسائل مختلف فلسفی هم آرای نو و ابتکاری عرضه کرد و هم آثار ارزشمند و درخشانی از خود به یادگار گذاشت.

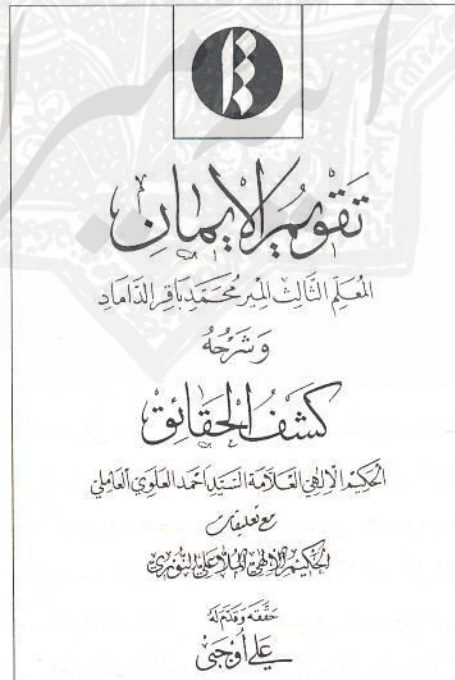
سومین و شاید مهمترین نقش او در تاریخ حکمت و بلکه اندیشه بطور عام، توفیق فراوان در تعلیم و تربیت شاگردان و دانش آموختگان بسیاری است که از خرمن علوم و دانشهای او خوشه چیدند و خود هر کدام منشأ آثار و برکات فراوان دیگری شدند که در این میان مهمترین و برگزیده ترین شاگرد او یعنی ملاصدرا از هرگونه شرح و وصف مستغنی است.

چنانکه گفتیم جناب میر را در شعب مختلف علوم آثار و رسالاتی است که هر یک به جای خود دارای ارزش و اهمیت است؛ ولی مشهورترین آثار وی همانهاست که در مباحث حکمی و موضوعات فلسفی به رشته تحریر در آورده است. در این میان مفصلترین کتاب فلسفی او یعنی القیسات معروفترین آنها نیز به شمار می آید و نزد اهل حکمت نیز آن بزرگوار با همین کتاب شناخته می شود و شاید بتوان گفت که مهمترین نظریه فلسفی او یعنی حدوث دهری نیز به تفصیل در همین کتاب مورد

احیای میراث مکتوب و تصحیح و طبع آثار و مآثر دانشمندان و علمای سلف، سیره سنییه ای است که دفتر نشر میراث مکتوب با کمال جدیت و پشتکار بر آن همت گماشته و در مدت نسبتاً کوتاهی که از تأسیس آن می گذرد، فهرستی پر شمار از این آثار را به جامعه فرهنگدوست و دانشی این مرز و بوم اعطا نموده است. یکی از این آثار که اخیراً به حلیه طبع آراسته شده و چشم حکمت پژوهان را به نور دیدار خود روشنی بخشیده کتاب تقویم الایمان و شرحه کشف الحقائق از ثالث المعلمین و ثانی الرئیسین میر محمد باقر داماد و

شارح تقویم الایمان سید احمد علوی عاملی تلمیذ و داماد مرحوم میراست با تحقیق و تقدیم مصحح ارجمند جناب آقای علی اوجبی.

میرداماد یکی از حکما و دانشمندان بزرگ شیعی تاریخ اسلام و پس از صدر المتألهین بزرگترین حکیم در سده های پس از حکیم طوسی است. این عالم بزرگ که در فنون و رشته های مختلف علمی زمان خود استاد بود از چند جهت در تاریخ علم و تفکر دارای اهمیت و ارزش است: نخست اینکه در عصر مهجوریت حکمت و بی اعتنائی نسبی دستگاه حکومت نسبت به فلسفه و علوم عقلی توانست در کمال اقتدار و توانایی و در ضمن تسلطی که بر علوم نقلی و ادبی داشت و ریاست تامه ای که در این فنون به دلیل همت و ذوق خداداد به دست آورده بود، در دستگاه حکومتی



تقویم الایمان و کشف الحقائق
میر محمد باقر داماد
شارح: میرسید احمد علوی
تصحیح: علی اوجبی
دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶

طرح و بررسی قرار گرفته است. ولی آن جناب را آثار دیگری از مطبوع و غیر مطبوع نیز هست که شاید از جهت اهمیت فاصله چندانی با القیسات نداشته باشد ولی تاکنون مجال ظهور و بروز نیافته است.^۱ یکی از این آثار کتاب مستطاب تقویم الایمان و تتمیم العرفان است که تقریباً یک دوره مختصر فلسفه است و مبحث محوری آن الهیات بالمعنی الاخص می باشد و جمعاً مشتمل بر یک صد^۲ و پنج فصل است و هر فصل نیز در بردارنده بخشهایی به نام «تصحیح» و «تقویم» و گاهی نیز عناوینی چون «تحکمه» و «توصیه» در آن به چشم می خورد. این کتاب نیز همچون سایر آثار میر به شیوه خاص ادبی و مطمئن او به رشته تحریر در آمده است و از همان سبک مقرر مط نویسی و مقرنس نگاری برخوردار می باشد. مصحح محترم یعنی

جناب آقای اوجبی متن کتاب را که تاکنون به زیور طبع آراسته نشده بود برای نخستین بار با مقابله با سه نسخه خطی متعلق به کتابخانه های آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، و مرکزی دانشگاه تهران (که نسخه نخست مزین به حواشی خود مؤلف، برخی از تلامذ او و نهایتاً مرحوم آخوند ملاعلی نوری است) به صورتی محققانه و شایسته تصحیح کرده اند. همچنین شرح آن به نام کشف الحقائق را که متعلق به سیداحمد علوی - شارح بسیاری از آثار دیگر میر - است با دقت فراوان و بر مبنای دونسخه خطی که هر دو متعلق به آستان قدس رضوی است تصحیح نموده اند.



ایشان علاوه بر تصحیح دقیق متن هر دو کتاب و استخراج کثیری از مآخذ اقوال و آراء، مقدمه ای مفصل و مفید نیز در حدود ۱۶۰ صفحه بر کتاب افزوده اند و در آن علاوه بر معرفی نسخ مورد استفاده، روش تصحیح، شرح حال اجمالی مولف، ویژگیهای برجسته او و خصوصیات نظام فلسفی، نثر و شیوه نگارش و شخصیت اخلاقی و اجتماعی وی را مورد بحث قرار داده، فهرست کامل آثار او اعم از کتابهای مستقل و یا شروح و حواشی را که بر آثار خود یا دیگران نوشته و همچنین به معرفی متن و محتوای آن پرداخته اند. علاوه بر آن شرح حال شارح علوی و آخوند نوری را هم بر مقدمه افزوده و فایده آن را دو چندان ساخته اند. در پایان نیز با افزودن فهرس گوناگون آیات، احادیث، اشعار، اعلام و گروهها، کتابها، اصطلاحات و تعبیرات و واژه نامه ای شامل لغات و اصطلاحات مشکل کتاب و

فهرست منابع و مآخذ، مجموعه ای مفید و گرانسنگ از میراث حکمت اسلامی را به جامعه فرهنگی کشور عرضه و دو کتاب ارزنده را در قالب یک مجلد، با سبکی زیبا و دلپذیر و چاپی نفیس و در خور، ارائه نموده اند شکر الله مساعیه و زاد فی توفیقاته.

گفته شد که هر فصل کتاب به بخشهایی با نام «تصحیح» و «تقویم» تقسیم شده است (و به همین اعتبار گاهی خود کتاب را نیز «تصحیحات و تقویمات» نامیده اند.) و چنانکه مصنف خود در حاشیه متذکر شده^۳، آنچه در این کتاب هست ولی داخل در متن موضوع - یعنی الهیات بالمعنی الاخص یا به تعبیر خودش «شطر ربوبی» نیست، بلکه به عنوان مبادی یا به صورت افتراض مطرح است «تصحیح» نام دارد؛ و آنچه بالقصد الاول از جمله مباحث کتاب است «تقویم» نامیده شده است. به عنوان مثال مسائل مربوط به تعریف فلسفه و انقسام موجود به واجب و ممکن و تقسیم ممکن به جوهر و عرض و یا مسائل مربوط به مطالب اصلی و فرعی علمی (ما، لم و هل) و شرائط برهان آن و لم و اقسام هریک با عنوان تصحیح و مسائل مربوط به براهین اثبات واجب و براهین ابطال تسلسل و یا مسائل مربوط به اوصاف باری و نحوه ارتباط واجب با ممکنات تحت عنوان «تقویم»^۴ مطرح شده است.

در مقدمه کتاب بحث مختصری در مورد فرقه ناجیه در بین فرق مطرح شده و سپس در فصل اول، مبادی علم ربوبی از قبیل تعریف فلسفه، موضوع فلسفه، مسائل فلسفه و تقسیمات وجود مورد بحث قرار گرفته است. در فصل دوم عمدتاً براهین اثبات واجب و ادله بطلان تسلسل و در فصل سوم مباحث مربوط به صفات سلبی واجب مطرح شده است. فصل چهارم نیز به ادامه بحث فصل سوم اختصاص یافته و در فصل پنجم مسائل مربوط به علم واجب و مقدمات لازم برای این بحث از قبیل تقسیم علم به حصولی و حضوری، علم جواهر مفارقه، ترتیب و ترتب علوم و ادراکات، اتحاد عقل و عاقل و معقول و چگونگی انکشاف صور متعدد برای نفس آدمی مورد بحث و تحقیق واقع شده است.

نگارنده ضمن مطالعه این اثر نفیس و بهره بردن از مباحث مختلف فلسفی آن و استفاده از حواشی و توضیحات مصحح محترم در تسهیل فهم عبارات دشوار و مغلق میر به نکاتی چند برخورد که

ذیلاً جهت تذکار برای خود و احتمالاً جلب مصحح ارجمند، آنها را در اینجا می‌آورد تا چنانچه از نگاه ایشان نیز مشتمل بر نکته یا نکاتی بود، در تجدید چاپهای بعدی کتاب مورد نظر قرار دهند:

الف) کتابی به اهمیت تقویم الایمان محتاج یک مقدمه تحلیلی و مفصل در خصوص نوآوریهای میرداماد در آن، ویژگیهای برجسته آن، تقریرهای خاص میر از برخی مسائل فلسفی، جایگاه کتاب در مقایسه با سایر آثار فلسفی و بویژه در مقایسه با سایر آثار فلسفی میر بود که متأسفانه ازین جهت خللی به چشم می‌خورد، چنانکه مصحح خود نیز بر آن تأکید کرده و در پیشگفتار کتاب آورده‌اند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که جا داشت در مقدمه به تفصیل پیرامون مبانی و اندیشه‌های این دو حکیم الهی [میرداماد و سید احمد علوی] سخن بگوییم اما این مهم را به مقاله‌ای که در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید وا می‌گذارم.^۵

روشن است که بر هر کتاب تصحیح شده خالی از مقدمه تحلیلی و انتقادی می‌توان چنین مقدمه‌ای نگاشت و اعتذار کرد، ولی این از مسئولیت مصحح نمی‌گاهد. این در حالی است که مصحح محترم با تکرار مجدد شرح حال میر و آثار او، وضع اجتماعی زمان حیاتش و مسائلی از این دست، بدون ضرورت بر حجم کتاب افزوده‌اند.

ب) در برخی موارد به نظر می‌رسد که متن به اشتباه قرائت شده است، از جمله موارد ذیل:

۱- ص ۲۱۳ س ۳. انما المفتاق الیه بالقصد الاول هو لعلة الجاعلة التي تفعل الذات والوجود، و سائر العلل مصححات الاستناد الی الجاعل و مهیات الصلوح للمجوعولیه و لقبول الجعل من تلقائه. در این عبارت ظاهراً «مهیات» غلط و «مهیئات» درست است.

۲- ص ۲۳۵ س ۱۱، در صفحه ۲۴۵ س ۱۳ و ص ۲۵۸ س ۱۳ نیز ظاهراً باید همین اصلاح صورت گیرد:

فما من احد منا یدرک ذاته الا وذاته عند ذاته بحيث بنفسها تتأتی الشركة القولية... فاذن لا محید لا متناع الاشتراک الحملي من الاستناد الی متشخص بذاته یتأتی الشركة الحملیه فی مرتبة نفس ذاته.

ظاهراً «تتأتی» و «یتأتی» باید به «تتأبی» و «یتأبی» اصلاح شود.

۳- ص ۲۵۹ س ۱۷:

فشرح الاسم المفهوم عند العقل متثقف من واجب الوجود بالذات، ینجب وجوده لا ما ینجب وجوده.

در این عبارت ظاهراً «المتثقف» صحیح است و «ینجب وجوده» خبر «شرح الاسم» است.

۴- ص ۳۰۳ س ۱۴:

و لقد احسن التاسیس علی هذا الاساس خاتم من قد شارکنا من السلاف فی رئاسة العلم و تصحیح الفلسفة فی فنون الشفافی مواضع شیئیة.

در این عبارت ظاهراً «شیئیة» مورد و معنایی ندارد و «شتیة» به معنای متفرق و گوناگون صحیح است.

۵. ص ۳۱۱ س ۱۶:

لوازم الصفات الکمالیه التي هی عین الذات و تلک تزیید علی نفس الذات هی کایجادات المعلولات التي هی من المراتب المتقدمة علی وجوداتها تقدما بالذات و هی متکثرة جسمًا تکثر المعلولات.

در این عبارت ظاهراً باید به جای «جسمًا»، «جمًا» صحیح باشد.

۶- فهو وحدة القیوم الواجب بالذات الذی نحن فی ذکر احدیته.

در این عبارت ظاهراً به جای «وحدة» باید «وحده» باشد.

ج) انتخاب نسخه بدلهای مرجوح

۱- ص ۲۱۴ س ۵ در حاشیه شماره ۶ ضبط نسخه بدل صحیح است.

۲- ص ۲۲۶ س ۵ در حاشیه شماره ۶ ظاهراً ضبط نسخه بدل صحیح است.

۳- ص ۲۱۶ در حاشیه شماره ۲ ضبط نسخه ج صحیح است.

۴- ص ۲۵۷ س ۱ در حاشیه شماره ۱ ضبط نسخه ن صحیح است.

۵- ص ۲۶۰ س ۱۱ در حاشیه شماره ۱۰، ضبط نسخه بدل صحیح است.

۶- ص ۲۶۶ س ۱۸ در حاشیه ۹، ضبط نسخه بدل صحیح است.

۷- ص ۲۷۲ س ۱۳ در حاشیه شماره ۶ ظاهراً ضبط نسخه بدل صحیح است.

۸- ص ۲۸۰ س ۳ در حاشیه شماره ۱ ضبط نسخه بدل صحیح است.

۹- ص ۳۲۱ س ۷ در حاشیه شماره ۳ ضبط نسخه بدل صحیح است.

۱۰- ص ۳۵۲ س ۱۷ در حاشیه شماره ۷ ضبط نسخه بدل صحیح است.

۱۱- ص ۳۵۳ س ۶ در حاشیه شماره ۲ ضبط نسخه بدل صحیح است.

۱۲- ص ۳۵۵ س ۱ در حاشیه شماره ۱ ضبط نسخه بدل اصح است.

د) برخی اشکالات ظاهراً چایی هم وجود دارد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- ص ۱۹۶ س ۱:

وما كنت موثراً الأقرح الحق و صراح العلم.

که در آن «موثراً» بدون تشدید صحیح است.

۲- ص ۲۰۷ حاشیه شماره ۱:

هذه دقيقة تحقیقیة خلت عنها كتب المحدثین.

در این عبارت «المحدثین» بدون تشدید صحیح است.

۳- ص ۲۱۳ س ۱۶:

فاذ هی لم تبلغ نصاب البتّ و الجبّ.

در این عبارت «الجبّ» به فتح میم صحیح است.

۴- ص ۲۲۳ س:

فاذن اذا كان مفاداً العقد مما لا سبب له

در این عبارت «مفاد» بدون تشدید صحیح است.

۵- ص ۲۳۲ س آخر:

ان الامكان افول الذات في القوة المحضة و الحقيقة الجائزة في

حد جوهرها و من حيث طباع جوازيتها من اللبس الخالص و الهلاك

الساذج.

در این عبارت ظاهراً «اللیس» صحیح است.

۶- ص ۲۴۴ س ماقبل آخر:

و اعلم ان سلسلة الجائزات المترتبة بما ان كل من آحادها...

در این عبارت «کلا» صحیح است.

۷- ص ۲۵۰ س ۸:

فقد تلونا علی قلیک انه لا یهب الکیمال...

در این عبارت «قلیک» صحیح است.

۸- ص ۲۲۶ س ۵:

فان و لیج فی سرک انه... فاسترحه...

در این عبارت «فاسترحه» صحیح است.

ه) برخی عبارات یا کلمات احتیاج به توضیح داشته‌اند و به

همین صورت فعلی، معنای درستی نمی‌توان برای آنها در نظر گرفت

که ذیلاً به موارد معدودی از آنها اشاره می‌شود:

۱- ص ۲۰۱ س ۱۴- و یصح اثبات النبوة و الامامة السادة.

۲- ص ۲۸۲ س ۳ و ۲ معنای روشنی ندارند.

۳- ص ۲۸۶ س ۱۳ و ۱۲ معنای مشخصی ندارند.

۴- ص ۲۹۷ س ۱۳: ثم قد تظنت جملة التفلسف من بعده، در

این عبارت ظاهراً «جملة السلف» صحیح است و مناسبت «تظنت»

هم با مقام روشن نیست.

و) چون سبک نگارش میر دشوار و دیریاب است، ضبط علائم ویرایشی در آن باید با دقت و وسواس صورت بگیرد تا امکان قرائت هر چه بهتر و آسانتر آن را ممکن سازد و از این حیث نیز کتاب احتیاج به اصلاحاتی دارد مثلاً:

۱- در ص ۲۰۵ س ۲ پس از «جمیعا» نقطه ویرگول حتماً زائد و عبارت «لمقولة الجوهر» عطف بر «لها» در سطر قبل است.

۲- ص ۲۱۵ س ۸ عبارت «ای الاشتراک الحملی» حتماً باید بین دو خط فاصله گذاشته شود.

۳- ص ۲۵۴ س ۵ «و اللامتناهیة» باید اول سطر باشد.

۴- ص ۳۵۲ س آخر آیه شریفه است و در علامت ویژه ضبط آیات نوشته نشده است.

برخی آیات نیز غلط ضبط شده‌اند: مثلاً در ص ۲۸۹ س ۲ «ولا خمسة» صحیح است که «ولا خامسة» ضبط شده است. یا در ص ۲۷۷ س ۱۰ «کسر اب بقیعة» ضبط شده که غلط و «بقیعة» صحیح است.

یکی دیگر از نکات قابل ذکر این است که مصحح محترم در مقدمه کتاب مرقوم فرموده‌اند: «میرداماد در آثار خویش از ارسطو با عناوین المعلم الاول، شریکنا فی الرئاسة، الشریک رئیس، الشریک فی الرئاسة... یاد می‌کند.» بر خواننده بصیر پوشیده نیست که در بین این تعبیرات فقط تعبیر المعلم الاول مربوط به ارسطوست و سایر تعبیرات که در آنها از دو اصطلاح «ریاست» و «رئیس» استفاده شده، بی‌شک مربوط به ابن سیناست و همانطور که خود مصحح در ادامه یاد آور شده‌اند عناوین و تعبیرات یاد کرد از ارسطو عبارتند از: معلم الصناعة، معلم المشائین، معلم الیونانیین و مفید الصناعة.

یکی از موارد مهم و قابل ذکر دیگر مربوط به فهرست اعلام و گروهها و اصطلاحات و تعبیرات کتاب است. روشن است که در فهرست اعلام و گروهها باید اعلام و گروههای خاصی که هویت مشخص تاریخی یا فرهنگی داشته باشند آورده شود، نه هر نوع تعبیری که در آن مثلاً از «آل» یا اهل استفاده شده باشد. به عنوان مثال از جمله گروههایی که در این بخش از فهرس آورده شده می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

«اساطین الحکمة و النبوة»، «آل العقل»، «اولوا الجبلات المؤفة»، «البشرط الحدوثیون»، «بعض الحکماء»، «بعض الاعلام»، «بعض العرفا»، «بعض القدماء»، «بعض المتکلمین»، «بعض المحققین»، «السلاطین»، «المتکلفون»، «المفسدین».

و یاد در همین بخش، ذیل عنوان «الشیخ رئیس» به ۱۵۵ صفحه ارجاع داده شده است که مراجعه کننده بیچاره باید برای یافتن

مطلب مورد نظر خود در این قسمت به حدود یکچهارم از کل کتاب مراجعه کند. روشن است که این نوع فهرست نگاری صرفاً مکانیکی بوده و بدون توجه به مضامین مهم و اصلی کتاب در مطلب مورد بحث صورت گرفته است.

در بخش فهرست اصطلاحات و تعبیرات نیز همین مشکل وجود دارد. فهرست اصطلاحات اصولاً برای اشاره به اصطلاحات خاصی که کتاب عمدتاً حول محور آنها بحث می کند تنظیم می شود، آن هم با ارجاع به صفحاتی که بحث قابل توجه یا نکته مهمی در مورد آنها مطرح شده باشد. اولاً فهرست تنظیم شده برای اصطلاحات این کتاب ۲۱ صفحه است و در هر صفحه بطور متوسط ۴۰ اصطلاح آورده شده است که جمعاً قریب ۸۰۰ عنوان را در بر می گیرد و این خود برای کتابی که جمعاً کمتر از ۲۰۰ صفحه است رقم نامعقولی است. مضافاً اینکه اصطلاحات فراوانی در این فهرست آمده که به عنوان یک اصطلاح فلسفی مطرح نیستند. مثل: «الاجابة»، «الادیان»، «الارسال»، «الاصغر»، «الاشارات»، «الاکبر»، «الانسان»، «الافراد»، «اعلی الاطوار»، «الایحاء»، «البراهین»، «اولی البراهین»، «درجۃ الانبعاث»، «دار الجسد» و امثال آنها.

در خاتمه باید به این نکته تذکر داد که مطالب یاد شده به هیچ عنوان از ارزش سعی مصحح در تصحیح و تعلیق کتاب و عرضه مطلوب و مرغوب آن نمی کاهد و خللی به آن وارد نمی سازد. توفیقات روزافزون محقق محترم کتاب را در احیای هر چه بیشتر موارث فرهنگ اسلامی از خدای متعال خواستاریم.



پی نوشت ها:

۱. دشوار نویسی میر و سلطه فلسفه اصالت وجودی ملاصدرا بلافاصله پس از او دو عامل عمده ای بودند که تا حدود قابل توجهی سبب مهجور ماندن حکمت یمانی (نامی که میرداماد برای مکتب فلسفی خود برگزیده) پس از میر گردیدند.
۲. چنانکه مصحح محترم نیز متذکر شده اند، کتاب جز یک رصد بیشتر ندارد و مؤلف ظاهراً می خواسته است رصدهای دیگری را نیز بر آن بیفزاید، ولی به هر دلیل چنین کاری انجام نیافته است. (ص ۱۲۵ مقدمه)
۳. ص ۱۹۹.
۴. این گونه عنوان گذاری بخشهای دو گونه کتاب یادآور عناوین دو گانه فصول در کتاب اشارات و تنبیهات است.
۵. ص ۲۰.



نارزه های
نشر

فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه علمیه آیت الله العظمی خوئی مشهد مقدس ایران احمد حسینی. قم: مجمع ذخائر اسلامی. ۱۵۶ ص. وزیری (گالینگور). چاپ اول/ ۱۰۰۰ نسخه، ۱۳۷۷

فهرست نسخه های خطی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی: گنجینه اهدایی خاندان سلطانه علی سلطانی... احمد منزوی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. ۵۰۰ صفحه. جلد اول. رحلی (گالینگور). ۴۵۰۰۰ ریال. چاپ اول/ ۳۰۰۰ نسخه، ۱۳۷۷

انیس العارفین (تحریر فارسی شرح عبدالرزاق کاشانی بر منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری) صفی الدین محمد طارمی؛ تصحیح و تحقیق علی اوجبی - تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول ۱۳۷۷.

تفصیل النشاطین و تحصیل السعادتین
حسین بن محمد الراغب الاصفهانی، تصحیح رامین گلکانی؛ مشهد: الآستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۷۷ ش/ ۱۴۱۹ ق.